

زیدیان ایران در قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی: ابوالفضل بن شهردویر دیلمی گیلانی و تفسیرش بر قرآن^۱

حسن انصاری و زابینه اشمیتکه
ترجمه محمد کاظم رحمتی

هر چند مراکز مهم فکری زیدیه در نواحی شمالی ایران از قرن سوم هجری / نهم میلادی تا اواخر قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی قرار داشته، اکثر میراث مکتوب زیدیه در پی زوالش منتقل نگریده است. اگر انتقال گسترده ادبیات مکتوب دینی زیدیه از ایران به یمن در چپ یکپارچگی سیاسی زیدیان خزری و یمنی که در اواخر قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی روی داده، نبود، عمده میراث مکتوب زیدیان ایران، از دست می رفت. سنت تعلیمی زیدیه ایران دست کم تا قرن دهم / شانزدهم میلادی تداوم داشته که آن را مدارک پراکنده تأیید می کند و سنت علمی زیدیان قرن نهم هجری / پانزدهم و دهم هجری / شانزدهم میلادی مورد تأیید است. همچنین به واسطه تعدادی نسخه های خطی کتابت شده توسط جوامع زیدی خزری میان قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی و دهم هجری / شانزدهم میلادی. از میان این نسخه ها، چندین بخش از تفسیر جامع قرآن نوشته ابوالفضل بن شهردویر بن یوسف بن ابی الحسن دیلمی گیلانی مرکالی است و یکی از شواهد جدی از سنت آموزشی زیدیه در قرن هفتم

۱. تدوین و نشر این مقاله در چهار چوب طرح اف پی هفت مورد حمایت شورای تحقیق اروپا با عنوان «بازیابی عقلانیت کلامی در جهان اسلام سده های میانه» صورت گرفته است. فرصت را مغتنم شمرده از کامیلا آدنگ برای تذکرات سودمندش بر پیش نویس مقاله سیاس خود را بیان می کنیم. [این مقاله ترجمه ای است از:
Hasan Ansari and Sabine Schmidtke, "Iranian Zaydism During The 7th/13th Century: Abu L-Fadl b. Shahr dawir Al-Daylami Al-Jilani and His Commentary on The Quran," Journal Asiatique 299.1 (2011), pp.205-211. [مترجم.

زیدیان ایران در قرن هفتم هجری... / محمد کاظم رحمتی

هجری / سیزدهم میلادی ایران است. دو مجلد از مجلدات این تفسیر که با یکدیگر متن تمام تفسیر را تشکیل می دهند اکنون به صورت عکسی منتشر شده است. این یادداشت مختصر، ویژگی های مهم این تفسیر را مورد بررسی قرار داده و آنچه را که تاکنون در خصوص مؤلف آن دانسته است، ذکر کرده است. از قرن سوم هجری / نهم میلادی تا اواخر قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی، مراکز مهم فکری زیدیه در شمال ایران یعنی طبرستان، دیلمان و گیلان در نواحی خزری، همچنین ری در روزگار آل بویه و پس از آن و بیهق در خراسان بوده است. به تدریج جوامع زیدی ایران در معرض زوال قرار گرفتند و عمده میراث مکتوب آنها دیگر روایت و منتقل نگردید. اگر انتقال گسترده ادبیات مکتوب دینی زیدیه از ایران به یمن در چپ یکپارچگی سیاسی زیدیان خزری و یمنی که در اواخر قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی رخ داد، نبود، تقریباً تمام میراث مکتوب زیدیان ایرانی از میان می رفت. در پی مرگ امام یمنی، المنصور بالله در ۶۱۴ / ۱۲۱۷ که در روزگار او انتقال فرهنگی از ایران به یمن به اوج خود رسید، روابط میان جوامع زیدیان ایرانی و یمن بی اندازه ناچیز و اندک شد و انتقال منابع مکتوب از ایران به یمن که اکنون جای نواحی شمال ایران را به عنوان مرکز فکری زیدیه گرفته بود، به کلی متوقف شد.^۱

این مطلب که سنت آموزشی و تعلیمی زیدیه در ایران دست کم تا قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی ادامه داشته است به واسطه مدارک پراکنده گواهی دهنده ای بر سنت تعلیمی زیدیه در قرن نهم / پانزدهم و دهم هجری / شانزدهم مورد تأیید است.^۲ همچنین شماری نسخه های خطی کتابت شده در جوامع زیدی خزری میان قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی تا دهم هجری / شانزدهم میلادی در دست است. نسخه خطی ۳۳۱۴ لاله لی (محفوظ در کتابخانه سلیمانیه شهر استانبول) مجموعه ای استنساخ شده در جامعه زیدی ایران قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی و مشتمل بر دو کتاب در نحو است.^۳ دیگر

۱. درباره زیدیه در ایران بنگرید به مقالات و مطالعات پیشگامانه ویلفرد مادلونگ که با مشخصات زیر منتشر شده اند: Madelung, Wilfre, *Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim und die Glaubenslehre der Zaiditen* (Berlin, 1956), passim; "The Alid Rulers of Tabaristan, Daylaman and Gilan," in: *Atti del III Congresso di Studi Arabi e Islamica*, Ravello, 1966 (Naples, 1967), pp.483-492; "Abu Ishaq al-Sabi on the Aldis of Tabaristan and Gilan," *Journal of Near Eastern Studies* 26 (1967) pp.17-57; "The Minor Dynasties of Northern Iran," *The Cambridge History of Iran. Volume 4: The Period from the Arab Incaion to the Saljuqs*, ed., R. N. Frye (Cambridge, 1975), pp.198-249; *Arabic Texts Concerning the History of the Zaydi Imam of Tabaristan, Daylaman and Gilan*, Beirut 1987; *Religious Trends in Early Islamic Iran*, Albany, N.Y 1988, pp.86-92.

۲. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، «دو مشیخه زیدی»، نامه مینوی: مجموعه سی و هشت گفتار در ادب و فرهنگ ایرانی به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات مجتبی مینوی، زیر نظر حبیب یغمائی و ایرج افشارتن و محمد روشن (تهران، ۱۳۵۰ش/۱۹۷۱)، ص ۱۷۹-۱۸۸؛ مادلونگ، اخبار الائمه، مقدمه؛ عبدالحسین حائری و دیگران، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، مجلدات ۱ - ۲۲ (تهران، ۱۳۰۵-۱۳۵۷ش/۱۹۲۶-۱۹۷۸)، ج ۷، ص ۳۸۴-۳۸۸.

۳. برای توصیفی از این مجموعه بنگرید به: حسن انصاری، «از میراث زیدیه ایران (۲): نسخه شامل دو کتاب نحوی متعلق به یک کتابخانه زیدی شمال ایران» (۲۰۱۰/۱۳۸۹)

http://ansari.kateban.com/entry_1684.html (consulted 15/01/2011).

مجموعه رساله های خطی کتابت شده در نیمه دوم قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی که شامل برخی آثار کلامی متکلمان زیدی از ایران و یمن است در کتابخانه دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز (کتابخانه علامه طباطبائی) نگهداری می شود.^۱ کتابخانه مجلس در تهران نیز مجموعه ای مشتمل بر رساله های (مجلس ۱۰۷۲۷) موجود است که در حدود ۱۳۳۲/۷۳۲ در حلقه های زیدیه کتابت شده و مشتمل بر رساله های مختلف به فارسی و عربی است. از جمله مشتمل است بر کتاب لباب المقالات لقمع الجهالات از ابو مضر شریح بن مؤید (دوره حیات اواخر قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی و اوایل قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی) و رساله ابلیس الی اخوانه المناحیس از حاکم جشمی (متوفی ۱۱۰۱/۴۹۴).^۲

در کتابخانه های ایران همچنین نسخه های خطی زیدی از قرن هشتم هجری / چهاردهم میلادی موجود است. از میان این نسخه ها، چندین نسخه از اجزاء تفسیر مفصل قرآن نوشته ابوالفضل بن شهردویر بن یوسف بن ابی الحسن دیلمی گیلانی مرکالی، یکی از جدی ترین شواهد از سنت تعلیمی زیدیه در قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی ایران است. سوای دو مجلد از کتاب که در ۱۴۶۷/۸۷۱ و ۱۴۷۲/۸۷۶ استنساخ شده است که مشتمل بر تمام تفسیر است و در یک کتابخانه شخصی در نجف موجود است^۳، اجزائی از آن در کتابخانه مجلس (مجلس نسخه های شماره ۴۰۲۸، ۱۲۲۷۸ و ۱۷۹۸۲) و کتابخانه ملک (ملک ۲۲۷) و کتابخانه مغنیسا در ترکیه (مغنیسا ۱۲۷) موجود است. این نسخه ها گواهی است بر تداول تفسیر مذکور در قرن نهم / پانزدهم میلادی و دهم هجری / شانزدهم میلادی ایران است. برخی از این نسخه ها همچنین مشتمل بر اطلاعاتی ارزشمند رجالی درباره عالمان زیدی ایران در قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی است. دو مجلد از این نسخه ها که با یکدیگر کل تفسیر را تشکیل می دهد به جزء برخی اوراق افتاده از ابتدا و انتها مجلد اول، اکنون به صورت عکسی منتشر شده و در دسترس است که به همراه مقدمه ای از سید محمد عمادی حائری توسط کتابخانه مجلس منتشر شده

۱. برای توصیفی از این مجموعه بنگرید به مقاله مشترکمان با عنوان:

Hassan Ansari And Sabine Schmidtke, "The Zaydi Reception of Ibn Khallad's *Kitab AL-Usul The Ta'liq* of Abu Tahir B. 'Ali AL-Naffar," *Journal Asiatique* 298.2 (2010): 275-302.

۲. برای توصیفی از این مجموعه بنگرید به: حسن انصاری، «میراث زیدیان ایران (۱): کتابی کلامی از ابومضر الشریحی»، منتشر شده در وبلاگ بررسی های تاریخی (کاتبان) (۱۳۸۹/۲۰۱۰):

<http://ansari.kateban.com/entry1678.html> (consulted 21/01/2011).

حسین مدرسی به این نسخه برای تصحیحش از کتاب رساله ابلیس الی اخوانه المناحیس حاکم جشمی (بیروت، ۱۹۹۵/۱۴۱۵) مراجعه کرده است. برای دیگر نسخه های زیدی شناخته شده از شمال ایران بنگرید به مقاله مشترکمان با عنوان:

Hassan Ansari and Sabine Schmidtke, "A New Source on Zaydi Scholarship in Northern Iran," (forthcoming).

۳. نسخه های مذکور به تفصیل توسط آقا بزرگ طهرانی در الذریعه الی تصانیف الشیعة، (بیروت، ۱۴۰۳-۱۹۸۳/۱۴۰۶)، بیست و پنج جلد، در مجلد ۴، ص ۲۵۶-۲۵۸، شماره ۱۲۱۳ معرفی شده است.

است. ^۱ جلد دوم که شخصی به نام حاجی بن فقیه محمد بن نامور تنه‌یجانی میان دهی سفارش کتابت آن را داده با انجامه ای از کاتب (نسخه مجلس ۱۷۸۹۲، برگ ۳۸۶ الف) خاتمه یافته که تاریخ ۱۵ رمضان ۸۹۰/ ۲۵ سپتامبر ۱۴۸۵ را دارد و نام کاتب احمد بن نایب سالار بن محمد کیناوردی ذکر شده است. در آغاز جلد دوم (برگ ۱ الف) تذکری آمده که بیان می‌دارد که کتاب به همراه چند اثر زیدی و غیر زیدی دیگر، ما ترک برجامانده از سید هادی کیا، یکی از اعضاء سلسله آل کیا گیلان بوده که در تاریخ ربیع الاول ۹۶۸ / نوامبر - دسامبر ۱۵۶۰ درگذشته است.^۲

مؤلف تفسیر از نسل یک خانواده عالمان زیدی گیلان است که از پیروان شاخه ناصریه زیدیه بوده اند. نیای اعلائی او بهاء‌الدین (همچنین محی‌الدین) یوسف بن ابی‌الحسن بن ابی‌القاسم دیلمی گیلانی مرکالی (مقالی) معاصر امام المنصور بالله عبدالله بن حمزه بوده و با عالم زیدی یمنی عمران بن حسن بن ناصر عذری همدانی مکاتبه داشته است.^۳ در نامه ای که در ۶۰۷/ ۱۲۱۰-۱۲۱۱ نگاشته شده، یوسف برای عمران اطلاعات تفصیلی در خصوص جامعه زیدی خزری و امامان آنها از زمان ابوطالب الناطق بالحق (متوفی ۴۲۴/۱۰۳۳) به بعد ذکر کرده است.^۴ دیگر آنکه در خصوص بهاء‌الدین گفته شده که از

۱. تفسیر کتاب الله، تألیف ابوالفضل بن شهردویر دیلمی (از علمای زیدی شمال ایران در اواخر قرن هشتم) ۲ مجلد با مقدمه از سید محمد عمادی حائری (تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش/۲۰۱۰).

۲. درباره سلسله آل کیا بنگرید به: «آل کیا»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۲۱۱؛ رابینو، دودمان علوی در مازندران، ترجمه محمد طاهری شهاب (تهران، ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰)، ص ۶۹ به بعد؛ مادلونگ، اخبار الائمه، مقدمه، ص ۱۲-۱۴؛

H. L. Rabino, Les dayasties locales de Gilan et du Daylam, *Journal Asiatique* 237 (1949), pp.301-50; Madlung, Gilan: iii. History in the Early Islamic Period, *Encyclopaedia Iranica*, vol. 10, pp.634-35; Charles Melville, The Caspian Provinces: A World Apart Three Local Histories of Mazdaran, *Iranian Studies* 33 (2000), pp.45-91 (passim).

نسخه های تفسیر کتاب الله در نجف نیز متعلق به یکی از خاندان آل کیا بوده است. بنگرید به: آقا بزرگ، الذریعه، ج ۴، ص ۲۵۸-۲۵۶، شماره ۱۲۱۳.

۳. درباره عمران بنگرید به: ابن ابی‌الرجال احمد بن صالح، مطلع البدور و مجمع البحور فی تراجم رجال الزیدیه، چهار جلد، تحقیق مجد‌الدین بن محمد بن منصور المؤیدی (صعده، ۲۰۰۴)، ج ۳، ص ۳۹۵-۳۹۷، شرح حال شماره ۹۷۶؛ ابراهیم بن القاسم الشهاری، طبقات الزیدیه الكبرى (القسم الثالث) و یسمى بلوغ المراد الی معرفة الاسناد، سه جلد، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه، مک لین، ۱۹۹۹/۱۴۲۰، ص ۷۳۶-۷۳۷، شرح حال شماره ۸۰۱. همچنین بنگرید به مقاله مشترکمان با عنوان:

Hassan Ansari and Sabine Schmidtke, "Mu'Ytazilism After 'Abd Al-Jabbar: Abu Rashid Al-Nisaburi's *Kitab Mas'Alil Al-Khilaf Fi L-Usul* (Studies on the Transmission of Knowledge From Iran to Yeman in THE 6th/12th AND 7th/13th C., I)," *Studia Iranica* 39, 2010, pp.261.

۴. تصحیحی از متن نامه در ضمن اخبار الائمه الزیدیه، ص ۱۳۵-۱۶۱ (بخش عربی) و توضیحی درباره آن در مقدمه، ص ۱۸-۱۹ آمده است. این نامه احتمالاً همان سیر الائمه باشد که به یوسف نسبت داده شده است. بنگرید به: السید احمد الحسینی، مؤلفات الزیدیه، سه جلد (قم، ۱۹۹۲-۱۹۹۳)، ج ۲، ص ۱۰۶، شماره ۱۸۰۴.

امام المنصور بالله در نبردش با مطرفیه در یمن حمایت کرده است.^۱ یوسف همچنین نامه ای دیگر به المنصور بالله نوشته، تفسیری بر قرآن داشته^۲، کتابی به نام سمط الدرر (فی شرح التحریر)^۳ و کتاب دیگر به نام عمده الوافی داشته است.^۴ به استثناء نامه ای به عمران و المنصور بالله، هیچ یک از کتابهایش باقی نمانده است.^۵ یوسف می بایستی زمانی میان ۶۰۷/۱۲۱۰-۱۲۱۱ و ۶۱۴/۱۲۱۷ درگذشته باشد چرا که دانسته است که پیش از المنصور بالله درگذشته است. یوسف فرزندی به نام شهردویر داشته که به او اثری کلامی به نام لوائح الاختیار (یا الاخبار) فی بحث الروح و النور و عذاب القبر نسبت داده شده که اکنون در دست نیست.^۶ شهردویر نیز دو پسر به نام های اسماعیل که درباره او هیچ چیز جز آنکه فردی عالم بوده، دانسته نیست و ابوالفضل مؤلف تفسیر حاضر دانسته است. آقا بزرگ از حیات ابوالفضل به عنوان عالمی از قرن هشتم هجری / چهاردهم میلادی سخن گفته که در پرتو دانسته های دقیق ما در خصوص پدر بزرگ ابوالفضل اکنون باید تصحیح شود^۷ و ابوالفضل می بایست در حدود میانه قرن

۱. درباره یوسف بن ابی الحسن، کتابهایش و خانواده اش بنگرید به: ابن ابی الرجال، مطلع البدور، ج ۱، ص ۲۹-۳۰، ۵۴۳، شرح حال ۳۰۹؛ ج ۲، ص ۴۰۸، شرح حال شماره ۶۷۲؛ ج ۴، ص ۵۲۳-۵۲۴، شرح حال شماره ۱۳۷۶؛ الشهاری، طبقات الزیدیة، ج ۳، ص ۱۲۸۲، شرح حال شماره ۸۰۹. همچنین بنگرید به: حسن انصاری، «تفسیر کتاب الله: متنی از کدامین دوران: نیمه سده هفتم یا اواخر سده هشتم» http://ansari.kateban.com/entry_1676.html (consulted 14/01/2011).
۲. بنگرید به: آقا بزرگ، ذریعه، ج ۴، ص ۳۱۴؛ شماره ۱۳۳۰؛ الحسینی، مؤلفات الزیدیة، ج ۱، ص ۳۱۴، شماره ۸۹۷.
۳. بنگرید به: الحسینی، مؤلفات الزیدیة، ج ۲، ص ۱۰۱، شماره ۱۷۸۶.
۴. بنگرید به: الحسینی، مؤلفات الزیدیة، ج ۲، ص ۲۸۵، شماره ۲۲۹۶. درباره یوسف همچنین بنگرید به: الوجیه، اعلام المؤلفین الزیدیة، ص ۱۱۷۵-۱۱۷۶، شرح حال شماره ۱۲۳۴. نیز بنگرید به همان، ص ۴۸۲، شماره ۴۷۹ که در ارجاع اخیر وجیه به خطا تفسیر القرآن، سمط الدرر وعمده الوافی و سیر الائمه را به فرزند یوسف، شهردویر نسبت داده است.
۵. درباره نامه بهاء الدین به المنصور بالله بنگرید به: انصاری، «تفسیر کتاب الله».
۶. بنگرید به: ابن ابی الرجال، مطلع البدور، ج ۲، ص ۴۰۸، شرح حال ۶۷۲؛ آقا بزرگ طهرانی، ذریعه، ج ۱۸، ص ۳۷۳، شماره ۵۱۲؛ الجئه العلمیه فی مؤسسه الامام الصادق، معجم التراث الکلامی: معجم يتناول ذکر اسماء المؤلفات الکلامیه (المخطوطات و المطبوعات) عبر القرون و المکتبات التي تتوفر فيها نسخها، پنج جلد (قم)، ۱۳۸۱/۱۴۲۳ش [۲۰۰۲]، ج ۴، ص ۵۷۵، شماره ۱۰۲۱۲؛ الحسینی، مؤلفات الزیدیة، ج ۲، ص ۴۰۶، شماره ۲۶۶۵؛ الوجیه، اعلام المؤلفین الزیدیة، ص ۴۸۲، شماره ۴۷۹.
۷. بنگرید به: آقا بزرگ طهرانی، ذریعه، ج ۴، ص ۲۵۶-۲۵۸، شماره ۱۲۱۳. تاریخی را که آقا بزرگ ارایه کرده، مادلونگ (اخبار الائمه الزیدیة، ص ۱۳، شماره ۶) و سید محمد عمادی حائری مقدمه نویس چاپ عکسی تفسیر کتاب الله در اطلاع اخیر خود پذیرفته اند. نیز بنگرید به حسینی، مؤلفات الزیدیة، ج ۱، ص ۳۰۷، شماره ۸۷۰ که هیچ تاریخی ارایه نکرده است. برعکس آقا بزرگ طهرانی در طبقات اعلام الشیعه، تحقیق علی نقی منزوی، ج ۳، بخش اول (القرن السابع)، بیروت، ۱۳۹۰/۱۹۷۱، ص ۱۳۱-۱۳۲ که آقا بزرگ دوره حیات او را به درستی تعیین کرده اما اینکه ابوالفضل زیدی بوده باشد را مورد تردید قرار داده و استدلال کرده که او امامی بوده است. همچنین بنگرید به همو، ذریعه، ج ۱۸، ص ۶۲، شماره ۶۷۸ که آقا بزرگ بیان داشته که ابوالفضل عالمی از قرن هفتم هجری

هفتم هجری / سیزدهم میلادی در قید حیات بوده باشد. سوی تفسیرش، ابوالفضل کتابی در کلام به نام دلائل التوحید نگاشته که اکنون در دست نیست.^۱

در سراسر تفسیرش، ابوالفضل کاملاً متکی بر طیف گسترده ای از تفاسیر کهنتر عالمان سنی، زیدی و امامی است. یعنی الکشف و البیان فی تفسیر القرآن ثعلبی (متوفی ۱۰۳۵/۴۲۷)؛ الکشاف جار الله زمخشری (متوفی ۱۱۴۴/۵۳۸)؛ ایجاز البیان نوشته بیان الحق نجم الدین ابوالقاسم محمود بن ابی الحسن نیشابوری غزنوی (متوفی نیمه دوم قرن ششم هجری / قرن دوازدهم میلادی) که اثرش را در ۱۱۵۸/۵۵۳ تألیف کرده^۲؛ مفاتیح الغیب فخر الدین رازی؛ التهذیب فی تفسیر القرآن حاکم جشمی (متوفی ۱۱۰۱/۴۹۴) و مجمع البیان و جوامع الجامع فضل بن حسن طبرسی (متوفی ۱۱۵۳/۵۴۸). از نکات با اهمیت، ارجاعات ابوالفضل به تفسیر غیر مذکور در جایی دیگر ناصر اطروش و تفسیر پدرزرگش بهاء الدین یوسف است. ابوالفضل همچنین آشنایی عمیق خود را با سنت های معتزلی نشان داده و به تصریح از قاضی عبدالجبار همدانی (متوفی ۱۰۲۵/۴۱۵) (که از آثارش، شرح العمده که اکنون در دست نیست) و ابن ملاحمی (متوفی ۱۱۴۱/۵۳۶) را نام برده و البته به نحو کاملی از سنت زیدیان شمال ایران، خراسان و ری که مشتمل سخن گفته و همچنین مشتمل است بر برخی نقل قولها از زیدیان کهن یمنی چون امام المنصور بالله.

خصوصیات نسخه شناسی دو مجلد تفسیر با آنچه که از خصلت ها و خصائص نسخه های زیدی از قرن هشتم هجری / چهاردهم میلادی تا دهم هجری / شانزدهم هجری ایران می دانیم، تطابق دارد. متن قرآن به دست خط بزرگ در وسط داخلی هر صفحه قرار دارد و در اطراف آن تفسیر قرآن به خط ریزتر در بالا و حاشیه و پایین آمده است. سه ستون در حاشیه خارجی هر صفحه با حواشی که بخشی از آنها اشاره به متن قرآن و بخشی تفسیر قرآن است، آمده است. این سه ستون از طریق خطی با کلمه مربوط یا عبارت مرتبط ربط داده شده است. در موارد بسیاری ترجمه های میان سطوری توسط خوانندگان بعدی متن قرآن و گاهی تفسیر به گویش طبری آمده است. بسیاری از این حواشی به گویش های طبری نگاشته شده است.

ابتکار عمل و پیش قدمی مسؤلان کتابخانه مجلس که این کتاب مهم گواه سنت تعلیمی زیدیه متاخر ایران را در دسترس مخاطبان گسترده تری قرار داده، شایسته تقدیر است و امید است که انتشار آن تحقیق محققانه این جنبه تا کنون تقریباً کاملاً مغفول زیدیه را سبب شود.

/ سیزدهم میلادی است.

۱. بنگرید به: ابن ابی الرجال، مطلع البدور، ج ۲، ص ۴۰۸، شماره ۶۷۲؛ آقا بزرگ، ذریعه، ج ۸، ص ۲۴۹، شماره ۱۰۲۴؛ معجم التراث الکلامی، ج ۳، ص ۲۸۶، شماره ۶۰۸۵؛ الحسینی، مؤلفات الزیدیه، ج ۱، ص ۴۷۲، شماره ۱۳۹۲.
2. See Claud Gilliot, "Kontinuität und Wandel in der 'klassischen' islamischen Koranauslegung (II./VII.- XII/ XIX. Jh.)," *Der Islam* 85 (2010), pp.93-94, =94.